



مقبولیت کیفر در نظام عدالت کیفری

حمید قربان پور^۱

سید محمد مهدی ساداتی^۲

علی جمادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

چکیده

کیفرها به حکم ذات متغیر خود، در حال تغییر مداوم هستند. ظهور کیفرهای جدید تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس و همین‌طور پیش‌بینی نهادهای کیفرزدا در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف از جمله ایران، مؤید تغییر و گسترش مصادیق نوین پاسخ‌های کیفری به بزهکاری است. در این میان، مقبولیت واکنش‌های کیفری جدید در میان کنشگران قضایی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به گونه‌ای که در صورت عدم مقبولیت کیفرهای جدید، پیاده‌سازی رویکردهای نوین کیفردهی در قانون بی‌نتیجه خواهد بود. بنابراین پذیرش کیفر و مقبولیت آن در میان کنشگران قضایی مؤثر در صدور و اجرای آن اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا در مراحل مختلف از تعیین تا اجرای کیفرها، کنشگران مختلفی ایفای نقش می‌کنند و نگرش هر کدام می‌تواند کیفردهی، نوع و یا حتی اصل اجرای آن را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل لازم است نخست مفهوم «مقبولیت کیفر» مورد بررسی دقیق قرار گرفته و سپس بدین پرسش پرداخته شود که در مراحل مختلف دادرسی، از مرحله تعقیب گرفته تا مرحله دادرسی و اجرای کیفرها چه مؤلفه‌هایی بر کیفردهی و توسل یا عدم توسل به کیفرهای اصلاح مدار و ارفاق آمیز تأثیر می‌گذارد. تبیین این دو موضوع نه تنها در شناسایی چالش‌های پیش رو می‌تواند مفید باشد، بلکه علاوه بر آن می‌تواند با یکسان سازی نگرش مبتنی بر مقبولیت کیفر از سلیقه‌گرایی کنشگران قضایی در کیفردهی جلوگیری نماید. یافته این تحقیق آن است که سیاست جنایی قضایی و اجرایی در زمینه کیفرهای نوین با سیاست جنایی تقنینی همراه نبوده و دلایل

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. hamidlaw1@yahoo.com

^۲ استادیار بخش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسول): mahdi.sadati@shirazu.ac.ir

^۳ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. jamadiali@gmail.com

متعددی از جمله فقدان سازوکارهای اجرایی در پیاده‌سازی برخی کیفرها، فرهنگ جامعه و همچنین اقتضائات حاکم بر تفکر کنشگران قضایی در این خصوص موثر است.

کلید واژه‌ها

مقبولیت کیفر، توجیه عملی کیفر، پذیرش کیفر، کیفردهی قضایی، جامعه‌شناسی کیفر.

مقدمه

سیاستگذاران نظام کیفری برای پیش‌بینی یک نظریه‌هنجاری درباره مجازات، ناگزیرند ملاحظات متعدد حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه سیاسی را مورد توجه قرار دهند. این توجه به مبنایابی و گاه مبنا سازی با هدف مقبولیت هرچه بیشتر کیفر، عموماً آهنگ فلسفی به خود می‌گیرد و تحت عنوان کلی فلسفه کیفر تبیین می‌گردد. اما در حقیقت نظریه‌های فلسفی ناظر به کیفرها، به همان شکل اولیه و خامی که در ذهن فیلسوفان تولید شده اند به اجرا گذارده نمی‌شوند. اینکه در عمل اندیشه‌های فلسفی، در چه زمان و با کدام هدف توسط دست اندرکاران نظام عدالت کیفری بکار گرفته می‌شود، در فلسفه کیفر کمتر بدان پرداخته شده است.^۱ از طرفی بنا به اعتقاد برخی فیلسوفان، فقها و قضات تنها بر اساس ظن و عقل خود عمل می‌کنند؛^۲ این امر نیز خود نمایانگر جهتی است که مقبولیت کیفر ایجاد می‌کند، امری که عقلی و ظنی به نظر می‌رسد.

سیاستگذاران کیفری بسته به زمان و نیازی که در آن مطرح می‌شود اندیشه‌های کیفری را در پرتو نظریه‌های پیامدگرا و توجه به رویکرد اصلاحی، با خود هم‌نوا اعلام می‌کنند.^۳ به لحاظ اینکه تا چه اندازه برای سیاستگذاران بُعد مقبولیت کیفری اهمیت دارد خود بحث مهمی است که با بحث ریشه‌ای فلسفه کیفری ارتباط پیدا می‌کند. چراکه فرض اساسی در این پژوهش این است که، نباید اینگونه پنداشت که میان اندیشه‌های فلسفی درباره کیفر با واقعیت‌های اجتماعی هیچگونه ارتباطی وجود ندارد. چراکه نه تنها کنشگران نظام عدالت کیفری، تحقق اهدافی سنتی مانند بازدارندگی، سزاجرایی^۴، ناتوان‌سازی، اصلاح و غیره را در پیش‌بینی، وضع و اجرای کیفرها مورد توجه قرار می‌دهند، بلکه این نظریه‌ها نیز در تبیین میزان مقبولیت کیفرها و نیز میزان پذیرش این نظریه‌ها از سوی سیاستگذاران نیز بسیار موثر خواهند بود.

^۱ عبدالرضا جوان جعفری و محمدجواد ساداتی، ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر (تأملی در چیستی و کارکردهای کیفر)، (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴)، ۷۶.

^۲ رضا فیض، «مفهوم کیفر از دیدگاه صوفیان با تکیه بر مکتب ابن عربی»، فصلنامه اخلاق پزشکی، ۲ (۱۳۸۶)، ۴۹.

^۳ عبدالرضا جوان جعفری و محمدجواد ساداتی، «سزاجرایی در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵ (۱۳۹۱)، ۲۳.

^۴ علی حسین نجفی ابرندآبادی و هادی رستمی، «رویکرد سزاجرا به کیفر در نظریه لیبرالیسم»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۱۰، ۱۳۹۰، ۵۶.

کیفر و مقبولیت آن در قالب پژوهش حاضر، منطقی است که به موجب آن می‌توان تمام مراحل دادرسی و کیفردهی یک نظام عدالت کیفری را بر مبنای آن تحلیل نمود. به موجب همین امر، پرسش اساسی موضوع بررسی در پژوهش حاضر آن است که، آیا در تمام فرآیند کیفردهی، نگرش مقبولیت کیفری واحدی حاکم است یا خیر؟ به تناسب همین امر، فرآیند دادرسی کیفری در قالب سه مرحله‌ی مجزا مدنظر قرار می‌گیرد. بدین تفکیک که مرحله پیش دادرسی از حیث نوع تدابیر مورد اتخاذ و میزان اذعان کنشگران قضایی مرتبط به تحولات قانونی آیین دادرسی کیفری در وهله اول مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مرحله‌ی دادرسی که هسته اصلی کیفردهی تلقی می‌شود نیز از منظر مولفه‌ها و ویژگی‌های مقبولیت کیفر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ بدیهی است که به منظور تبیین جامع از مراحل دادرسی و تعیین حکم، هر دو مرحله‌ی بدوی و تجدیدنظر در مفهوم عام آن مناط تحلیل قرار خواهد گرفت.

در مرحله‌ی سوم نیز با تبیین اجرای احکام صادر شده محور بررسی بدین سمت دارد که تا چه اندازه نقش و صلاحدید قضات اجرای احکام کیفری با مراحل پیشین همسو بوده و از این حیث تا چه اندازه تکمیل‌کننده و یا نقض‌کننده فرآیند کیفردهی سابق تلقی می‌شود. مطالعات خاصی که به بحث جامع شناختی از مقبولیت کیفری پرداخته باشند مشاهده نشده است و عموماً نگرش تحقیقات پیش از این به بحث فلسفی از توجیه کیفر مرتبط می‌باشند، امری که واجد نگرش فلسفی است. با این وجود مقاله‌ی حاضر با توجه به تحقیقاتی از قبیل آنچه بیان شد، سعی دارد نوعی ارتباط مبنایی و کارکردی میان مباحث فلسفی و جامعه شناختی برقرار نماید و از مبنای دو جانبه‌ی فلسفی - جامعه شناختی در خصوص تبیین نگرش کنشگران قضایی و عوامل موثر بر آن استفاده نماید.

الف) مفهوم شناسی مقبولیت کیفر و افتراق آن از مفاهیم مشابه

فراتر از معنای لغوی مقبولیت که در قالب پسندیدگی و شایستگی و مطبوعیت^۱ بیان شده است، اما در قالب اصطلاحی، منظور از مقبولیت «پذیرش مردمی» است. در قالب علوم سیاسی این مفهوم چنین تعبیر شده است که «اگر مردم به درخواست فرد یا گروهی برای حکومت، تمایل نشان دهند و خواستار اعمال حاکمیت از طرف آن فرد یا گروه باشند و در نتیجه براساس خواست و اراده مردم حکومتی تشکیل گردد، گفته می‌شود آن حکومت دارای مقبولیت؛ و در غیر این صورت فاقد مقبولیت می‌باشد»^۲.

بنابراین مقبولیت، واژه‌ای سیاسی در نظام عدالت کیفری است که در صورت اضافه شدن کیفر به آن، جهت گیری آن را به موضوعی خاص و جنبه‌های ویژه مرتبط با آن معطوف می‌سازد. بر همین اساس، می‌توان از مقبولیت کیفر این تعریف را ارائه داد: «اذعان و التزام حداقل عملی مرتبط با پذیرش عام یا

^۱ دهخدا، لغت نامه، (تهران: جلد ۱۳، ۱۳۷۷)، ۲۴

^۲ علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، (تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۳)، ۳۷۵

خاص رویکرد کیفری پیش بینی شده در قانون کیفرگذار».

در قالب این تعریف اولاً آنچه که مقبولیت را محقق می‌سازد حداقل نوعی اعتراف عملی است و نگرش درونی به مقبولیت حداقل نوعی تفتیش ذهنیت انسان‌ها و امری مالایطاق نظام عدالت کیفری. ثانياً اینکه مقبولیت در قالب پذیرش به دو شکل عام و خاص نمود پیدا می‌کند. پذیرش عام کیفر، به پذیرش همگانی و عموم جامعه اطلاق می‌شود و پذیرش خاص کیفر به گروهی خاص، که در اینجا منظور کنشگران قضایی هستند اطلاق می‌گردد. با نظر به این دسته‌بندی از پذیرش کیفر به طور کلی می‌توان دو کارکرد را برای آن برشمرد: اولاً مشارکت در پیاده سازی قدرت نظام عدالت کیفری (از سوی کنشگران وابسته)؛ ثانياً مشارکت در جهت کارآمد سازی، حفظ رعایت و پایایی نظام عدالت کیفری از سوی عموم مردم.^۱

مفهوم مقبولیت کیفر مفهومی نسبی است و از مراتبی برخوردار است. نظام‌های عدالت کیفری به تناسب میزان کارآمدی خود در تأمین و برآوردن انتظارات و خواسته‌های مردم (اعم از مادی و معنوی) و حل مشکلات آنان، از مراتب متفاوتی از مقبولیت برخوردار می‌باشند؛ و به هر میزان بین عملکردهایشان با اصول و اهدافی که برای خود ترسیم کرده‌اند مطابقت بیشتری دیده شود، از مقبولیت بالاتری نیز برخوردار خواهند بود.

می‌توان مفهوم مقبولیت کیفر را به مشروعیت^۲ آن بسیار نزدیک دانست؛ امری که ملاحظات دینی و اسلامی حاکم بر نظام‌های عدالت کیفری این اقتران مفهومی را ایجاد می‌کند. به اعتقادی، مقبولیت از اقسام مشروعیت است؛ ولی اگر مشروعیت به معنی شرعی بودن نظام عدالت کیفری تلقی گردد- کما اینکه اندیشمندان اسلامی چنین معنی کرده‌اند- مشروعیت یک امر الهی و شرعی می‌شود؛ این در حالی است که مقبولیت امری مردمی است و نه الهی، و از این حیث که تعریف آن متضمن مردمی بودن است با مشروعیت فرق اساسی داشته و از اقسام آن نخواهد بود.

۱. یکی از کارکردهای مقبولیت عمومی مردم، تشکیل و تداوم حکومت و کارآمدی آن است؛ اما، هرگز نباید تصور کرد که این رابطه دو سویه بوده و لازمه تشکیل و تداوم هر حکومتی به معنی مقبولیت آن حکومت است؛ زیرا، چه بسا حکومت‌هایی که علیرغم مقبولیت با استفاده از مکانیزم‌هایی نظیر اعمال قوه قهریه، زور و فشار، ایجاد گردیده و تداوم داشته باشند. نکته مهم اینجاست که تداوم چنین حکومت‌هایی تا جایی است که آن مکانیزم‌های یاد شده بتوانند کارایی و تأثیر خود را داشته باشند؛ اما زمانی که فاقد چنین تأثیری بشوند، آن حکومت به سرعت راه انحطاط و زوال را در پیش گرفته و نابود خواهد شد. بنابراین تداوم چنین حکومت‌هایی دلیل بر مقبولیت مردمی نیست.

^۲ Legitimacy

در نظام سیاسی اسلام اگر چه اعطاء مشروعیت از محدوده اختیارات شارع است ولی عینیت و فعلیت یافتن آن در گرو پذیرش عموم مردم است.^۱ اگرچه به نظر می‌رسد که مقبولیت و مشروعیت دو جنبه‌ی مبنایی و کارکردهای ساختاری و بیرونی داشته و آنها را مدنظر قرار می‌دهند، اما تفکر مشروعیت در یک نظام عدالت کیفری و کیفرگذاری^۲ در آن مینا گرا تر از مقبولیت می‌نماید و در آن بحث از رویکردها و مبنای ایی چون قرارداد اجتماعی محوریت داشته و اندیشه‌های فیلسوفانی چون هابز و لاک در آن مطرح می‌شود.^۳ همچنین بنا بر جهات فوق الذکر می‌توان مشروعیت و مقبولیت را مکمل یکدیگر دانست. نگرش مبتنی بر تکمیل کننده بودن قابل قبول تر به نظر می‌رسد؛ از این حیث که در قالب این تفکر، کیفری که در نگاه کنشگران کیفردهنده مقبول است خود می‌تواند ریشه در تفکر مشروعیت بخشی سیاستگذاری جنایی نیز داشته باشد. اما لازم به ذکر است که نمی‌توان وجود یکی را لازمه وجود دیگری دانست؛ از این حیث می‌توان کیفری غیرمقبول را تصور نمود که از یک نظام سیاستگذار مشروع سر برآورده باشد. مضافاً اینکه نگاه مشروعیت به نظام عدالت کیفری یک نگاه ارزشی-اعتقادی است، اما نگاه مبتنی بر مقبولیت نگاهی فردگرا بوده و می‌تواند از محاسبات علمی-عقلی تقویت گردد. به عنوان مثال، یک قاضی رسیدگی کننده در عین پذیرش مشروعیت نظام عدالت کیفری ایران، اما نسبت به اعمال کیفر جایگزین نسبت به شخص واجد صلاحیت اجتناب می‌کند و آن را در آن شرایط مقبول نمی‌داند. نکته‌ی بسیار مهم دیگر نیز آن است که مجازات‌ها ذاتاً متغیر هستند و همین امر در عین اینکه می‌تواند ناظر به مقبولیت کیفرها باشد، جهت گیری مقبولیت را نیز تحت تأثیر قرار دهد.^۴

از منظر توجه به این مفهوم از مقبولیت کیفر می‌توان بیان داشت که در حقوق کیفری ایران مصادیقی مشاهده می‌گردد که یک قانون، به دلیل عدم مقبولیت از سوی مردم یا کنشگران قضایی، مُرده متولد می‌شود؛^۵ این قانون مُرده خود حاکی از آن است که قانونگذار به دلیل عدم پیش بینی بسترهای لازم اراده اجرایی نمودن آن را ندارد و عواملی مانند فشارها یا فرصت‌های بین المللی، موجبات تصویب اجباری آن را فراهم ساخته اند. همه این ملاحظات به نگرش تمامی کنشگران قضایی در توسل به کیفرهای نوظهور یا ارفاق آمیز جهت می‌بخشد و عملکرد آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

^۱ جهان‌نیده شیخانی، ایمان، «جایگاه مردم در مقبولیت و مشروعیت حکومت اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)»، (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۹۴)، چکیده

^۲ La légitimité de la justice (LJ)

Levi M., Sacks A., & Tyler T. R., Conceptualizing Legitimacy, Measuring Legitimizing Beliefs, *American Behavioral Scientist*, 2009, n 53(3) p. 354-375.

^۳ محمد یکرنگی، مشروعیت سیاسی کیفر، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷)، ۱۹-۲۷

^۴ برای ملاحظه همین امر در بحث حدود ر.ک (محمد مهدی ساداتی، «شرایط اعمال قاعده در آ فقہ امامیه و قانون مجازات اسلامی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۱۳۹۵)، ۱۱۴-۱۱۵

^۵ اقبالعلی میرزایی، «قانون متروک: مبنای، مفهوم و مصادیق»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۴(۱۳۹۰) ۷۴-۷۳

مقبولیت کیفر به نحوی با توجیه کیفر^۱ و توجیه مداخله‌ی کیفری نیز ارتباط پیدا می‌کند. در حالی که

توجیهات اخلاقی مداخله‌ی کیفری^۲ در قالب ارزش‌های نقض یا تهدید شده توسط بزهکاران شکل گرفته‌اند، گونه‌ای از توجیه مداخله‌ی کیفری در قالب دلایلی که به کنشگران نقش‌های مختلف نظام عدالت کیفری مربوط است، شکل می‌گیرد. هنگامی که قانون‌گذار محدودیت‌های کیفری را خلق می‌کند، هنگامی که پلیس و دادستان متهمان را دستگیر و علیه آنها اقامه‌دعوا می‌کنند، هنگامی که قضات متهمان را محکوم می‌کنند و مجازاتی را به آنان تحمیل می‌کنند و هنگامی که مأمورین اجرای احکام مجازات را بر فرد مجرم اعمال می‌کنند، همه این کنشگران نیاز به توجیهی برای مشارکت و سهم‌شان در پروژه کلی جرم‌انگاری دارند. این برداشت تأکیدی است که چگونه چارچوب سازمانی نظام عدالت کیفری بر دلایل مرتبط با توجیه آن تأثیر می‌گذارد^۳.

از این حیث این دو مفهوم به شکل بسیار پیچیده‌ای در هم تنیده‌اند، گاهی توجیه^۴ مداخله کیفر از سوی کنشگران فرآیند کیفردهی نظام عدالت کیفری به نتیجه مقبولیت کیفری منتهی می‌گردد و گاهی مقبولیت در تمام مراحل توجیه حضور یافته و فرآیند توجیه را سرعت می‌بخشد. لازم به ذکر این نکته است که توجیه مجازات در مقام پاسخ به چرایی مجازات مطرح می‌گردد که نظریه‌هایی چون تعلیم اخلاقی جان هامپتون و نیز نظریه جبران ناامنی اجتماع را مطرح می‌سازد^۵. به علاوه اینکه توجیه کیفر با

۱ Justification of punishment

۲. لازم به ذکر است که آموزه‌هایی چون «مکافات‌گرایی» و «فایده‌گرایی» در توجیه کیفر با هم پیوند داشته و به نظر می‌رسد هر یک از این دو نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت گیری مقبولیت مدار کیفری کنشگران قضایی در تعیین کیفر ایفا می‌کند. برای مطالعه‌ی بیشتر در این خصوص ر.ک (هادی رستمی، و علی رضا تقی پور، «توجیه کیفر در سامانه عدالت به مثابه انصاف»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۹، (۱۳۹۴)، ۷۵-۹۸

۳ فیروز محمودی جانکی و مهرانگیز روستایی، «توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳ (۱۳۹۲)، ۵۳

۴. توجیه کیفر در فلسفه اخلاق معاصر تحت سیطره و نفوذ دو جریان دیرپا در ساحت اخلاق هنجاری، یعنی غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی است. وظیفه‌گرایی به نفس عمل می‌نگرد و درستی و نادرستی اعمال را فارغ از پیامدهای احتمالی‌شان، داوری کرده و در صدور احکام هنجاری نظر به غایت ندارد. توجیه کیفر در این سنت بر پایه تقدم حق بر خیر، ایده استحقاق و با نگاه به گذشته و عنصر مکافات صورت می‌گیرد. در مقابل، غایت‌گرایی بر نتیجه استوار است و گزاره‌های تکلیفی را با عنایت به پیامد رفتار آدمی تجویز می‌کند. غایت‌گرایی در خوانش فایده‌گرایی با تقلیل حسن و فحیح اعمال به فایده مترتب بر آنها در توجیه مجازات نظر به آینده دارد. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (هادی رستمی، «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی در توجیه کیفر»، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، ۲ (شماره پیاپی ۱۴)، (۱۳۹۵)، ۱۳۱

۵ برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک جعفر یزدیان جعفری، چرایی و چگونگی مجازات، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱)، ۱۴۵-۱۵۳

مقبولیت کیفر نیز همین ارتباط تنگاتنگ را دارد؛ زیرا بنا به اعتقادی، توجیه کیفر یا مجازات نگرشی آینده مدار نسبت به اهداف اساسی مجازات و در عین حال توجه به ویژگی‌های بزهکار است.^۱

ب) رویکردهای موثر بر جهت‌گیری مقبولیت کیفری

به فراخور نگرش حاکم بر مکاتب حقوق کیفری، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به فلسفه و اهداف کیفر مطرح است که اعتقاد و یا التزام به هر کدام از آنها می‌تواند جهت‌گیری مقبولیت کیفر تحت تأثیر قرار دهد. در این خصوص می‌توان به سه رویکرد کلی اشاره نمود که هر کدام در درون خود، دارای گرایش‌های متفاوتی است.

گروهی بر باور نتیجه‌گرایانه، غایت‌گرایانه و یا به تعبیری سودانگارانه تکیه می‌کنند و تأکید آنان بر این است که کیفر و اعمال آن، زمانی قابل پذیرش و مقبول است که دارای یک فایده در آینده باشد.^۲ در درون این رویکرد، اصلاح و درمان (بازپروری)، بازدارندگی و ناتوان‌سازی و... وجود دارند. البته اشتراک همه آنها، این است که بر فایده‌مترتب بر کیفر توجه می‌کنند.

در مقابل، رویکرد مبنی بر وظیفه‌گرایی وجود دارد که در قالب آن اعمال کیفر دارای حسن ذاتی فرض می‌گردد. به عبارت دیگر، کیفرها فارغ از اینکه دارای فایده و آثار آینده نگر باشند یا نباشند، دارای ضرورت هستند و باید مورد عمل واقع شوند. یعنی در اعمال کیفر معیار و ملاک خطای گذشته مرتکب جرم است. در درون این رویکرد نیز توجیه‌های متفاوتی، مانند العا یا محو جرم، الزام اخلاقی (توجیه متافیزیکی کیفر)، تهذیب معنوی مجرم، تصحیح یا اصلاح امتیاز ناعادلانه و... به چشم می‌خورد.

اما در برابر این دو رویکرد، رویکرد سوم تلاش کرده است که با تلفیق این دو رویکرد به صورت حداکثری نکات مثبت هر دو رویکرد نتیجه‌گرا و سزاگرا را در خود داشته باشد. در ادامه با نگرش به مقبولیت کیفر، رویکردهای سه‌گانه تشریح می‌گردند تا بتوان به موجب آنها از جهت‌گیری مقبولیت کیفر در دادرسی کیفری و مراحل آن بحث نمود.

۱- رویکرد نتیجه‌گرایانه^۳

رویکرد نتیجه‌گرایی در توجیه فرآیند مقبولیت کیفر بر این باور است که، با تأکید بر نتایج و سودآوری کیفر، نگرشی آینده‌نگر و غایت‌گرا را بر جهت‌گیری مقبولیت حاکم نماید. این رویکرد بر مبنای نظریه

^۱ موراتز، توماس، فلسفه حقوق؛ مبانی و کارکردها، (تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷)، ص ۲۲۶

^۲ رستمی، «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی در توجیه کیفر»، ۱۳۳-۱۳۲

^۳ Utilitarianism

اصالت فایده معتقد است که باید در راستای تحقق حداکثر فایده و سود تلاش کرد و از زیان و خسارت بگریزند.

از نظر حقوقی نیز ارزش حقوق و رفتار انسان بر اساس سودمند بودن آن تعیین می‌گردد. یکی از

صاحب‌نظران این رویکرد از نظر فلسفی و ابتدا در فلسفه اخلاق، «ژرمی بنتام» است.^۱ فلسفه «بنتام» بر یک اصل کلی به نام منفعت‌گرایی و سودجویی استوار شده است. این رویکرد بر این باور است که میزان و معیار رفتار و عملکرد انسان، یعنی رفتار نیک و بد، رنج، خوشی و لذت است، لذا باید عملی را اتخاذ نمود که خوشی و لذت حاصل از آن بیشتر، بادوام‌تر و مؤثرتر و گروه و جماعت بیشتری را شامل شود. رفتار شر و عملی که باید از آن دوری جست، عبارت از آن است که رنج و آلمی از آن برآید و فایده و لذتی را برای انسان به دنبال نداشته باشد. در نگاه «بنتام» یگانه فلسفه اخلاق در جهان سودگرایی بوده، در نتیجه، رفتاری از نظر اخلاقی درست و صواب است که در هر وضعیت و شرایطی، لذت و سعادت کلی را در حد اعلی گسترش دهد. در یک عبارت مختصر و کوتاه، لذت، یعنی نبودن درد و رنج. به همین دلیل، میزان این سود و لذت هر قدر بیشتر باشد، بهتر و توجیه پذیرتر است.^۲

گرچه آثار مفیدی در قوانین کیفری بسیاری از کشورها داشته و موجب اصلاح و تغییر آنها شده است، اما در عین حال از جهانی مورد انتقاد قرار گرفته است؛ اولاً، جزم اندیشی و یک‌جانبه‌نگری، نظام عدالت کیفری را به اهداف خود نمی‌رساند. زیرا صرف توجه به تحصیل فایده و سود حاصل از اجرای کیفر از رهگذر تئوریهای غایت‌گرا موجب استفاده ابزاری ایشان شده و حقوق کیفری را از اخلاقی تهی می‌کند.

۱. بنتام در نوشته‌های خود نظریه «فایده اجتماعی» که قبل از ایشان توسط «سزار بکاریا» مطرح شده بود را تحت فرمول ریاضی درآورد. وی معتقد بود که انسان فردی است خودخواه که همیشه درصدد جلب منفعت است، کسی که مرتکب جرم می‌شود نیز هدفش جلب منفعت یا جلب رضایت باطنی است، اما در ارتکاب جرم در مقابل دو امر تنها قرار دارد. یا به خاطر جلب منفعت جرم را مرتکب شده و مجازات را نیز تحمل نماید و یا اینکه از ارتکاب جرم صرف نظر نموده و خود را در معرض تحمل مجازات قرار ندهد. در قبال چنین موقعیتی بنتام معتقد بود که باید حتماً عذاب مجازات بیش از منافع احتمالی حاصل از جرم باشد تا ترس از مجازات، مجرم را از ارتکاب جرم بازدارد. در مورد فایده اجتماعی مجازات‌ها نیز معتقد بود کیفر، عملی است که برای مجرم موجب درد و عذاب و برای دولت موجب هزینه‌گزار نگهداری و اداره زندانها است؛ بنابراین زمانی باید به کیفر متمسک شد که سود و نفع آن بیشتر از مضرات آن باشد.

مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۸۹

۲. البته باید بر این مطلب توجه کرد که بنتام سودمندی و لذت‌گرایی را محور و مرکز ثقل اندیشه خود ترسیم می‌نماید، بدون اینکه به منبع و ریشه این لذت و خوشی نیم‌نگاهی داشته باشد. از این رو، در فلسفه بنتام فرقی نمی‌کند که ریشه و منشأ لذت چه بوده و این لذت‌گرایی از کجا ناشی می‌شود.

اگر کیفر همانند جرم یک پدیده اجتماعی است، ضروری است، مانند سایر پدیده‌های اجتماعی دارای قابلیت انعطاف باشد.^۱

ثانیاً، نادیده گرفتن استحقاق مجرم و تکیه بر آثار و نتایج مطلوب در اعمال کیفر، عدالت کیفری را به شدت نسبی و سیال خواهد کرد و این به نوبه خود می‌تواند بسیار خطرناک و قابل سوءاستفاده باشد و مجرم را در معرض و سخت‌ترین کیفرها قرار دهد. تا چه حد می‌توان کیفر را برای غلبه بر انگیزه‌های لذت‌گرایانه مجرم تشدید نمود و این مسابقه تا کجا می‌تواند ادامه پیدا کند؟ علاوه بر اینکه این سؤال جدی مطرح می‌گردد که آیا همه جرایم با انگیزه‌های سودجویانه ارتکاب می‌یابد که مدعی شویم مجرم با یک محاسبه دقیق میزان نفع مورد انتظار خود را با شدت کیفر احتمالی در نظر بگیرد و پس از آن، تنها به خاطر دستیابی به منافع بیشتر مرتکب جرم شود و در فرضی که شدت کیفر بیشتر از منافع مورد انتظارش بود، از ارتکاب جرم امتناع کند؟ بدون تردید تعدادی از جرایم با انگیزه‌های غیر مادی صورت می‌گیرد و مجرم از قبل می‌داند که هیچ‌گونه منفعت مادی به دست نخواهد آورد، ولی در عین حال تحت تأثیر اهداف و انگیزه‌هایی مرتکب جرم می‌شود و چه بسا در چنین مواردی مرتکب، توجهی به کیفر جرم ارتکابی ندارد.^۲

۲- رویکرد مکافات گرایانه^۳

رویکرد سزاگرایانه در ردیف اولین نظریه‌ها در جهت دهی به فرآیند مقبولیت کیفر قرار دارد. این اندیشه و تفکر از ابتدا همراه بشر بوده است. به عبارتی، درباره چرایی کیفر، اولین پاسخی که به ذهن انسان خطور می‌کند، این است که هرکس مرتکب جرمی شود، مستحق تنبیه و کیفر است. جالب است که این تفکر، به رغم سابقه‌ی طولانی خود، هنوز در میان کنشگران حقوق کیفری از جمله کشور ما تجلی خاص خود را دارا است. منطق اصلی رویکرد سزاگرایانه در توجیه علت پذیرش کیفر، تکیه بر خود جرم است که پدیده نامطلوبی تلقی می‌گردد که به دنبال آن مسئولیت اخلاقی مرتکب را در پی دارد.

در رویکرد سزاگرایانه بر موضوع خطایی که مرتکب، در گذشته انجام داده، تأکید می‌گردد و لذا به این نظریه، دیدگاه واپس‌گرا یا گذشته‌نگر نیز گفته می‌شود. با منطق همین رویکرد، معنا و اهداف مختلفی پیدا می‌کند: کیفر به عنوان یک سرزنش اخلاقی است؛ کیفر به عنوان تاوان یا جبران جرم ارتکابی است؛ کیفر برای الغا یا خنثی کردن جرم پیشین بکار می‌رود؛ کیفر برای تهذیب معنوی مجرم

^۱ محمدجعفر حبیب زاده، اندیشه‌های حقوقی ۳ (مجموعه مقالات عدالت کیفری)، (تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بین، ۱۳۹۱)، ۵۶

^۲ دانش پژوه، مصطفی؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ فلسفه حقوق، (قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰)،

^۳ Retribution.

مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ کیفر، ابزاری است پیام مهمی را به جامعه اعلام می‌کند. در غالب همین تفکرات است که سطح مقبولیت کیفر و شیوهی آن تعیین می‌گردد. به عنوان مثال برخی از بخشنامه‌هایی که با منطق حبس زدایی^۱ و استفاده از جایگزین‌های صادر می‌شوند، ممکن است موضوع مخالفت برخی از کنشگران قرار گیرند و به موجب آنها، مدتی شخص محکوم در حبس نگهداشته شود.

۳- رویکرد ترکیبی^۲

در رویکرد ترکیبی یا دو گانه، ترکیبی از رویکردهای سزادهی، فایده گرایی مدنظر است. تئوری دو سطحی به نظریه «راولز» و «هارت» مربوط می‌شود. به نظر میرسد نظریه «راولز»^۳ بر پایه فایده گرایی است، اما دارای دو مرحله متفاوت است. در مرحله نخست، نهادها و اجرای کیفر به عنوان مجموعه‌ای از مقررات، بر پایه نگاه فایده گراییانه توجیه می‌گردد، اما در مرحله دوم، در مورد مقرراتی که رفتارها را شامل می‌شود، سزادهی مینا و پایه توجیه است. این دیدگاه به رغم عدم موفقیت کلی رویکرد فایده گراییانه، همچنان نظریه مستحکم و قدرتمندی است.^۴ «هربرت هارت»^۵ نیز بین وضع کیفر و مصادیق آن تفاوت قائل می‌شود. از دیدگاه ایشان وضع کیفر فقط بر پایه اهداف فایده گراییانه قابل توجیه است، اما موارد و مصادیق شخصی کیفر، زمانی قابل توجیه است که فرد مورد نظر برای کیفر دیدن دارای استحقاق باشد.^۶

از دیدگاه ایشان در پاسخ به دو سؤال مهم مسئولیت (یعنی چه کسی باید کیفر ببیند و به چه مقدار و میزان باید باشد؟) معتقد است، رویکرد فایده گراییانه به قسمت اول بر می‌گردد و ملاحظات مربوط به سزادهی و اجرای عدالت برای محدود کردن کیفر تنها به فردی که استحقاق کیفر را دارد. همچنین به میزانی که منطبق با مسئولیت وی باشد. به نظر می‌رسد در چنین دیدگاه‌هایی این مطلب مهم وجود دارد که در یک نظام عادلانه کیفر، دلایلی به نسبت مفیدی برای کیفر دادن مقصر که در عین حال متناسب با شدت جرم ارتكابی وی باشد، وجود دارد. همچنین در یک نظام کیفری دو یا چند گانه نیز می‌توان این

^۱ برای مطالعه ی بیشتر، رک (اصغری، ۱۳۹۳)

^۲ برخی در اینجا تعبیر «دوآلیستی» را به کار برده‌اند. در کنار واژه دو آلیست (Dualist) می‌توان مفاهیمی مانند پلورالیست (Pluralist) یا کثرت گرا، آمیزه (Mixed)، دورگه یا دوگانه (Hybrid)، ترکیبی (Synthetic)، حد وسط یا واسطه (Intermediate) و میانه راه (Middle of the road) را نیز مطرح کرد. البته معروف این است که مراد از بحث در موضوع فلسفه کیفرها، نظریات مرکب از فلسفه سزادهی و فایده گرایی است.

^۳ . Johe Rawls.

^۴ Wood, David; retribution, crime reduction and the justification of punishment, Oxford Journal of Legal Studies, vol.22, No.2, Oxford university press, 2002. 304

^۵ .H.L.A. Hart. (Herbert Lionel Adolphus Hart)

^۶ .Wilson, William; Criminal law doctrine and theory, printed in Great Britain Longman, First publish, 1998. .۱۵۹-۱۵۸. به نقل از: یزدیان جعفری، چرایی و چگونگی مجازات، ۱۵۸-۱۵۹. 1998.

ترکیب نظری و رویکردی را قابل دفاع دانست و به موجب آن میان مراحل مختلف قضایی و یا سطح مختلف کنشگران قضایی شیوه‌ی تجلی آن را متفاوت یافت.

ج) مقبولیت کیفر از منظر کنشگران قضایی مراحل پیش دادرسی

جایگاه مرحله تعقیب و تحقیق از متهم و مقام‌های مرتبط با آن در دادرسی کیفری انکارناپذیر است^۱ و از این حیث، کنشگران این مرحله‌ی کیفردهی در قالب تحقیقات مقدماتی و تأثیر نگرش‌های مبتنی بر مقبولیت و پذیرش کیفر می‌تواند به شکلی ویژه این مرحله را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه مشخص است اینکه مرحله‌ی پیش دادرسی با اجزای مختلفی که دارد؛ از اصول متفاوتی با مراحل دیگر دادرسی کیفری برخوردار است و رعایت ویژگی‌هایی که بر تحقیقات مقدماتی^۲ به طور خاص و تعقیب به طور کلی وجود دارد^۳ بر این وجه تمایز افزوده است.

اهمیت این مرحله و مولفه‌های حاکم بر آن از قبیل امنیت گرایی، سرعت تعقیب و تحقیق باعث شده است که نگرش کنشگران این مرحله نیز متفاوت باشد. مدعی العموم بودن دادستان^۴ اختیارات صلاحیدیدی و نگرش حاکم بر تصمیمات وی را در جهت حفظ حقوق حقه عامه تقویت می‌کند. بر همین اساس در تمام جزئیات کیفردهی مرتبط نیز انتظار بر این است که مقبولیت کیفر از نظر این مقام جهتی امنیتی و فرا فردی به خود بگیرد^۵. در ادامه به جهات مختلفی که به نوعی مقبولیت را در نظر مقام تعقیب و تحقیق تعبیر یا با اصلاحاتی مواجه می‌سازد اشاره می‌گردد، اما قبل از آن لازم به اشاره است که مراد از کیفر در این مرحله چیست؟ با اندکی دقت می‌توان دریافت منظور از کیفر به معنای مجازات نیست، بلکه تصمیم قضایی برخاسته از رفتار کیفری است. به تعبیر بهتر منظور تصمیمی است که مقام قضایی در این مرحله نسبت به شخص متهم صادر می‌کند و به موجب این تصمیم تحدید حقوق و آزادی‌های وی محقق می‌گردد؛ بنابراین عموماً طیف مشمول این تصمیمات را می‌توانند در قالب قرار متجلی یافت. لازم به تبیین است که مقبولیت کیفر در نگاه کلان، علاوه بر انواع کیفرها، دادرسی کیفری را نیز شامل

^۱ مهران مهمان نواز، بررسی تطبیقی حقوق متهم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و لایحه جدید قانون آیین دادرسی کیفری، (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰)، ۱

^۲ علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، (انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵)، ۹۵-۸۷

^۳ سید رضا میری، آیین دادرسی کیفری؛ تعقیب کیفری؛ بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰).

^۴ برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص مفهوم دادستان و جایگاه وی ر.ک (بهرزو کم و آنامحمد خرمالی، «وظایف و نقش دادستان در حقوق کیفری نوین ایران»، مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی، سال دوم، جلد یکم، ۲۰، (۱۳۹۵)، ۱۷۵-۱۷۲

^۵ بدیهی است که مقبولیت کیفر در مرحله‌ی تحقیقات از سوی دادگاه نیز مشمول همین بحث است، زیرا بنا به تصریح ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک، برخی تحقیقات از سوی محاکم صورت می‌گیرد.

می‌گردد و به همین دلیل است که توسل به جایگزین‌ها نیز در قالب این بحث قرار می‌گیرد. زیرا در نگاه شهروندان و طرفین دعوای کیفری (بزه‌کار و بزه دیده) تعقیب کیفری پاسخ سنگینی به بزه‌کاری است.

۱- مقبولیت کیفر در اعمال جایگزین‌های تعقیب

«جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی»^۱ مجموعه شیوه‌ها و اقداماتی است که توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است تا دادستان به عنوان مقام تعقیب به جای پیگیری دعوای عمومی در مسیر اصلاح و بازاجتماعی کردن فرد، تضمین حقوق بزه دیده و رعایت حقوق جامعه از آن استفاده کند.^۲ در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی و اجرایی ۱۳۹۴) در قالب جایگزین‌های تعقیب، مصادیق مهمی چون ترک تعقیب، بایگانی کردن پرونده، تعلیق تعقیب و میانجی‌گری کیفری پیش‌بینی شده است. در تمام این نهادها تشخیص تناسب^۳ جایگزین تعقیب بر عهده مقام قضایی است؛ و از این حیث می‌توان دریافت که میزان مقبولیت کیفر از ناحیه وی صدور یا عدم صدور این نهادهای اصلاح مدار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل است که با توجه به تأثیرپذیری مقبولیت کیفر از خاستگاه ذهنی کنشگران قضایی، می‌توان سلیقه‌گرایی در تعیین جایگزین‌های تعقیب را نتیجه‌ی عملی تشخیص تناسب تعقیب یا عدم تعقیب و جایگزین‌ها دانست.^۴

از طرفی نیز حاکمیت رویکرد امنیت‌گرا بر مرحله تعقیب متهمان باعث می‌شود که تأکید حداکثری بر تعقیب از جمله آثار عدم جهت‌دهی نظام‌مند به مقبولیت کیفر باشد. بحث از مقبولیت کیفر در رابطه با دو اصل بنیادین اصل الزامی بودن تعقیب و نیز اصل مقتضی بودن جایگاه قابل توجهی دارد. زیرا این دو اصل در تقابل با بیکدیگر قرار دارند و از آنجاکه در اصل اقتضای تعقیب اختیار مقام قضایی تعیین‌کننده است، اندک جهت‌گیری ناصواب و غیرعلمی خود می‌تواند به توسل بیش از اندازه به اصل الزامی بودن تعقیب و افراط در بکارگیری آن منتهی گردد. چنانچه عدم وجود سازوکارهای نظام‌مند را می‌توان به عنوان ایرادی به جایگزین‌های تعقیب مورد اشاره قرار داد. به عنوان مثال وقتی بار پرونده‌های موضوع

^۱ Les alternatives à la poursuite.

^۲ برای مطالعه‌ی بیشتر در رابطه با جایگزین‌های تعقیب ر.ک (غلامحسن کوشکی، «جایگزین‌های تعقیب عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق، ۲۹، (۱۳۸۹)).

^۳ علیرضا جمشیدی و علیرضا نوربان، «متناسب بودن تعقیب کیفری؛ مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، ۳، (۱۳۹۲).

^۴ یکی از مباحث مهم در قالب رابطه‌ی میان تشخیص تناسب تعقیب کیفری با مقبولیت کیفر مطرح می‌گردد؛ بدین تعبیر که آیا مقبولیت کیفر از نتیجه‌ی اقتضاگرایی و مصلحت‌سنجی مقام تعقیب موثر است یا خیر؟ هرچند این امر خود می‌تواند موضوع تحقیق مجزایی قرار گیرد اما حداقل می‌توان اشاره داشت که ابهام قوانین، عدم تعیین سازوکارهای مشخص، عدم وجود فرهنگ‌سازی مرتبط با جایگزین‌های تعقیب؛ خواه در میان مردم و خواه در میان کنشگران و غیره در قالب یک چارچوب موثرتر مقبولیت کیفری، به نوع تشخیص تناسب تعقیب کیفری نیز جهت می‌دهد.

رسیدگی در شوراهای حل اختلاف با تورم مواجه باشد و در عین حال موسسه‌های خصوصی در این راستا مشخص نشده‌اند و مقنن اشخاص خاص مقرر در ماده ۸۳ ق.آ.دک را نیز تعیین ننموده است (حسانی، ۱۳۹۴)، از میانجی‌گری کیفری چیزی جز نام آن باقی نمی‌ماند؛ امری که مقبولیت اجرایی کیفر را به حداقل‌ترین میزان خود می‌رساند.

۲- تأثیر مقبولیت کیفر بر تعیین قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی

بعد مهم دیگری که در مرحله پیش دادرسی جلوه بسیار پر رنگی از منظر جایگاه مقبولیت کیفر دارد تعیین قرارهای تأمین کیفری است. این قرارها با تحدید حقوق و آزادی‌های افراد و پس از تفهیم اتهام چنانچه دلایل کافی حاکی از انتساب آن اتهام به متهم باشد^۱ صادر می‌گردند^۲. به تصریح ماده ۲۵۰ ق.آ.دک تشخیص تناسب تأمین از مهمترین معیار عملی صدور آن است؛ که معیارهای لازم در تشخیص آن عموماً رویکردی امنیت‌گرا داشته و در صدد حفظ متهم و ادله‌ی موجود هستند. شدیدترین قراری که چالش‌های فراوانی را از حیث مقبولیت کیفر و مقبولیت عملکرد قضایی ایجاد می‌نماید قرار بازداشت موقت است؛ زیرا مغایر اصل برائت بوده و قاعدتاً موارد صدور آن باید محدود و صرفاً در موارد استثنائی باشد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در این چارچوب و با هدف جلوگیری از بازداشت متهمان، نوآوری‌هایی را پیش‌بینی کرده است. در وهله نخست، قرار بازداشت موقت اجباری تا حدودی از میان رفته است و نه تنها بازپرس در هیچ موردی ملزم به صدور قرار بازداشت موقت نیست، بلکه به منظور رعایت آزادی و امنیت اشخاص و احترام به اصل برائت، قانونگذار، را بر آزادی متهم قرار داده است. ماده ۲۳۷ در این باره مقرر می‌دارد که «قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر درمورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند...». بازداشت موقت در کنار توجیهات و دلایل حقوقی مقتضی صدور، به دلیل نقش پیشگیرانه و امنیت‌مداری که بر این قرار حاکم است از میزان مقبولیت یا توجیهی که مقام قضایی برای تشخیص تناسب این قرار قائل می‌شود نیز تبعیت می‌کند. آنچه شنیده می‌شود این است که برخی شعبات رسیدگی‌کننده به شکلی حداکثری به قرار بازداشت موقت متوسل می‌شوند این درحالی است که برخی از شعبات صالح به تحقیق به طور حداقلی به این قرار متوسل می‌گردند. علاوه بر این نیز می‌توان عملکرد دادستان بر تأیید یا عدم تأیید قرار بازداشت موقت صادره^۳ را از حیث مقبولیت کیفری سنجید و از این حیث نظر داد که، تا چه اندازه تفکر به تشخیص

^۱ همچنین ر.ک به ماده ۲۱۷ ق.آ.دک

^۲ مصدق، محمد، قرارهای تأمین کیفری، نظارت قضایی و قرارهای نهایی با رویکرد کاربردی، (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۴)،

۱۷

^۳ به موجب ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت

تناسب از یک سو و نگاه سخت گیرانه‌ی وی باعث توسل یا عدم توسل به این نهاد می‌شود. حتی ترتیب شدت میان قرارهای تأمین کیفری کمتر از بازداشت موقت نیز اثرپذیری فراوانی از این امر دارد که مقام تحقیق تا چه اندازه آن قرار را به عنوان یک قرار متناسب تشخیص داده و در جهت جلوگیری از فرار متهم یا محو ادله‌ی احتمالی تشخیص مبتنی بر تساهل یا سخت‌گیری داشته باشد.^۱

یکی دیگر از مهمترین موارد مرتبط در قالب قرارها، تصمیم به تعیین یا عدم تعیین قرار نظارت قضایی در قالب مقبولیت کیفر است. قرارهای نظارت قضایی برای نخستین بار و بر اساس ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک، مقام قضایی می‌تواند در کنار قرارهای تأمین کیفری دهگانه مورد اشاره در ماده ۲۱۷، در صورت صلاحدید به صدور قرار نظارت قضایی اقدام کند. در این قانون، نظارت قضایی برخلاف حقوق فرانسه که نهادی مستقل و جانشینی برای بازداشت موقت است، تدبیری تکمیلی و فرعی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری (اصولا) و در مواردی مستقل (استثنا) و در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت است (ایرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸). اینکه در حال حاضر رویه‌ی قضایی تا چه اندازه از این قرار استقبال می‌کنند یا کرده اند مشخص نیست ولی در پرتو مقبولیت کیفر می‌توان بیان داشت که نگرش مقام‌های قضایی به سمت این نهاد، مستلزم فرهنگ سازی است و غالباً انتظار بر این است که به دلیل عدم وجود آیین نامه ای مشخص و نیز ساز و کار اجرایی نظام مند در ارتباط با این قرار، این قرار تنها به موارد تکمیلی بودن منحصر گردد و هیچ گاه به شکلی مستقل از سوی دادگاه موضوع صدور قرار نگردد. شاید بتوان این چنین نیز نظر داد که مقبولیت کیفری برخاسته از این قرار در میان مقام‌های قضایی موجود بوده باشد، چراکه این قرار، قرار مبتنی بر محرومیت از برخی از حقوق اجتماعی بوده و محرومیت نیز پاسخی تکمیلی و عموماً نظارت مداری است که به موجب آن متهم بیشتر در دسترس باقی خواهد ماند.

د) مقبولیت کیفر از منظر کنشگران قضایی مراحل دادرسی

از جمله مهمترین مراحل کیفر دهی قضایی، مرحله‌ی دادرسی و صدور حکم است^۱ که به موجب آن، از

متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی‌کند، بازداشت می‌شود.

^۱ حتی علاوه بر این می‌توان از حیث میزان مقبولیت کیفر یا پاسخ کیفری در مرحله‌ی تعیین قرارهای تأمین این نکته را مطرح نمود که چنانچه شخص متهم متقاضی قرار شدیدتر باشد، مثلاً به جای قرار کفالت متقاضی قرار وثیقه باشد، به موجب ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک مقام قضایی مکلف به قبول آن است؛ حال این سوال مطرح می‌شود که آیا تکلیف بار شده بر مقام قضایی را می‌توان نوعی عدم جایگاه بخشی به مقبولیت مقام قضایی دانست؟ اگرچه پاسخ به این سوال مستلزم تحقیقی مفصل و جامع است- که در رساله به طور مفصل بدان پرداخته شده است- اما ذکر این نکته لازم است که گاهی سیاستگذار جنایی یا قانونگذار کیفری به طور کلی، در راستای نگرش مبتنی بر شدت کیفری، امکان سنجی برخی رویه‌ها را از مقام قضایی سلب نموده است و از این حیث نوعی مقبولیت کیفری تقنینی بر مقبولیت کیفری قضایی اولویت می‌یابد.

میان کیفرهای عموماً دارای حداقل و حداکثر یا برخوردار از چند نوع کیفر، نوع و میزانی تعیین می‌شود. از این حیث که مراحل کیفردهنده در دو مرجع بدوی و تجدیدنظر خواه (به معنای اعم) دسته بندی می‌شوند، می‌توان در ادامه به این دو مرحله‌ی تعیین کیفر توجه و در قالب آنها به اجزای مرتبط با مقبولیت کیفر پرداخت.

۱- مقبولیت کیفر در مراجع بدوی تعیین کننده کیفر

تعیین کیفر از سوی محاکم بدوی را می‌توان دارای متجلی ترین جایگاه توجیه نگری و اهتمام به مقوله‌ی مقبولیت دانست. در این مرحله، مراجع بدوی علاوه بر نگرش به اهداف برخاسته از کیفر^۱، به ویژگی‌های بزهکار و نیز با نگرشی آینده مدار به آثار مجازات کیفر متناسب را برمی‌گزینند. نکته‌ی مهمی که باید در مراجع قضایی و نگرش مبتنی بر مقبولیت آنان رعایت گردد این است که وجود وضعیت خنثی گونه و بدو تمایل به کیفری کردن محض و غیرکیفری کردن در قضات ضروری است؛ بدین بیان که اگرچه دیدگاه‌های چون عقیده‌ی دورکیم مبنی بر اجتماعی سازی کیفر بیان می‌شوند اما این به معنای تأکید بر کاربرد کیفری به شکلی حداکثری و نیز به شکلی حداقلی نیست^۲.

مراجع بدوی تعیین کننده کیفر را می‌توان مرجعی دانست که در قالب صلاحیت‌های ذاتی مشخص و با رعایت اصول کیفری صلاحیت از جمله صلاحیت محلی جهت رسیدگی به جرم ارتكابی صالح هستند. با همین تبیین، دادگاه‌های کیفری یک و دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و کیفری یک ویژه‌ی نوجوانان، دادگاه‌های نظامی متعدد و نیز دادگاه‌های ویژه‌ی روحانیت در کنار مراجع شبه قضایی از قبیل تعزیرات حکومتی و شوراها حل اختلاف را می‌توان مورد اشاره قرار داد. بدیهی است که نگرش کیفری حاکم بر هر یک از این محاکم و نوع یا میزان کیفری که در آنها تعیین می‌گردد

^۱ لازم به ذکر است که اجتهاد مقام قضایی بر مقبولیت کیفر و جهت دهی آن تأثیر می‌گذارد. بنا به اعتقادی «با توجه به متون و مدارک اسلامی، تعیین واکنش تعزیری به صلاحدید حاکم موکول شده است. بی تردید تبیین چگونگی عملکرد قاضی و نیز تعیین حدود اختیارات وی در گزینش واکنش تعزیری، از موضوعات مهمی محسوب می‌شود که در پرتو آن می‌توان جایگاه مجازات های محدودکننده آزادی را در سیاست کیفری اسلام تبیین کرد. به نظر می‌رسد که قاضی موظف است با توجه به ضوابط و معیارهای خاصی، جنس و میزان تعزیر را اجتهاد کند و شاید گاهی حسب آن ضوابط، مجازات محدودکننده آزادی را موثرترین و مناسب ترین واکنش تشخیص دهد و لذا اجتهاد قاضی، از ضرورت به کارگیری مجازات های محدودکننده آزادی حکایت دارد؛ اما در سیاست کیفری کشور ما، هنوز لوازم و شرایط آن کاملاً مهیا نشده است».

محمدهادی صادقی، و جواد ریاحی، «اجتهاد تعزیر؛ مبنای اعمال مجازات های محدودکننده ی آزادی در فقه جزایی»، مجله پژوهش های فقهی، ۲۵، (۱۳۹۵)، ۲۸۹.

^۲ برای مطالعه ی بیشتر در خصوص توجیه مجازات در بستر فلسفه ی حقوق ر.ک موراوتز، فلسفه حقوق؛ مبانی و کارکردها،

از یکدیگر قابل تمییز و متفاوت است. بدیهی است که احکام سنگین صادره در محاکم انقلاب با احکام صادره در دادگاه‌های کیفری دو قابل مقایسه نیست.

۲- مقبولیت کیفر در مراجع عالی مرتبط با اعتراض از کیفر تعیینی

از جمله دیگر مولفه‌های موثر بر کیفردهی، سنجش مقبولیت کیفر از منظر قضات مراجع عالی است.

اینکه برخی از احکام موضوع نقض یا تغییر در میزان مجازات قرار می‌گیرند، فارغ از بسترهای حقوقی پیش بینی شده، می‌تواند به دلیل مهمی چون نگرش قضات این مراجع باشد. وابستگی احکام صادره به نگرش قضات این مراجع از آنجا تقویت می‌گردد که به لحاظ قانونی و عملی، جلسه‌ی تجدیدنظر خواهی از آرای مورد نظر طبق اصول کیفری معمولاً بدون حضور طرفین پرونده صورت می‌گیرد و از این حیث شخص قاضی، در غیر مواردی که ضرورت بداند، رأساً در مقام تعیین کیفر متناسب اقدام می‌کند. در این اقدام نیز آنچه تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جهت دهی وی دارد میزان تمایل یا عدم تمایل وی به سمت رویکرد مبتنی بر تخفیف یا تشدید، میزان اطلاعات حقوقی وی از مبانی سیاستگذاری جنایی و رویکرد تقنینی، میزان توجه کامل به ادله‌ی موجود در پرونده‌های عموماً قطور موضوع تجدیدنظر خواهی و غیره می‌باشند. بنابراین، در حین نگارش رأی در پرتو تجدیدنظر خواهی، این مولفه‌ها به قلم قاضی مربوطه جهت می‌دهد و آنچه میان ذهن و قلم وی نقش تعیین کننده‌ی دارد چیزی نیست جز اذعان، مقبولیت و پذیرش آن کیفری که در حال نگارش آن است.

ه) مقبولیت کیفر از منظر کنشگران قضایی مراحل اجرای احکام کیفری

مرحله اجرای احکام کیفری که نتیجه‌ی تمام زحمات کنشگران مراحل قبل نظام عدالت کیفری می‌باشد از اهمیت شایانی در بیشتر سیستم‌های کیفری دنیا برخوردار است. تحولاتی که اخیراً در این مرحله رخ داده است، ویژگی قضائیتی بودن آن را پر رنگ تر ساخته است؛^۱ بدیهی است که در پرتو این ویژگی، اختیارات صلاح‌دیدی قضات اجرای احکام و دیگر اشخاص ذیصلاح^۲ در راستای اهداف مهمی از جمله

^۱ پاشا زاده، حسن، قضاوتی شدن و جایگاه نوین وظایف و اختیارات دادستان در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان، (رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۴)

^۲ بر اساس ماده ۴۸۵ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲: «معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد». در این ارتباط لازم به توضیح است، مددکار اجتماعی در اصطلاح قضایی فردی است که پاره‌ای از وظایف ضابطان قضایی را به نمایندگی از مراجع قضایی انجام می‌دهند. (محمدحسین کارخیران، کاملترین مجموعه محشی قانون آیین دادرسی کیفری جدید، (تهران: انتشارات راه نوین، ۱۳۹۲)، ۱۲۶) مضاف بر آن، مأمور اجراء نیز شخصی است که به دستور مدیر اجراء مباشرت در عملی کردن مدلول حکم دادگاه را بر عهده دارد. (بهرام بهرامی، اجرای احکام مدنی، (تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، ۱۳۸۳)، ص ۱۹) مأمور مراقبتی نیز رسالت مراقبت و

تناسب‌سازی اجرای مجازات‌ها با وضعیت مجرم و همچنین اوضاع و احوال ارتکاب جرم و در نتیجه نیل به حداکثر بازدهی از مجرای اعمال مجازات افزایش یافته است.^۱ به موازات این امر، جایگاه مقبولیت کیفر و نوع نگرش این مقامات قضایی در تعیین و یا بازنگری در مجازات‌های تعیین شده تأثیر قابل توجهی دارا است. در قالب سنجش میزان تأثیر مقبولیت کیفر در عملکرد قضایی کنشگران اجرای احکام کیفری، می‌توان تصمیمات مورد نظر را در سه قالب وظایف مبتنی بر تخفیف، تشدید و نیز وظایف نظارت مدار در اجرای احکام کیفری خلاصه و تبیین نمود.

۱- مقبولیت کیفر در قالب وظایف مبتنی بر درخواست تخفیف و تشدید کنشگران اجرای احکام کیفری

به موجب قانون مجازات اسلامی، تقاضای نهادهای جایگزین حکم اصلی از قبیل تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۶ ق.م.ا)، تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ ق.م.ا)، آزادی مشروط (ماده ۵۸ ق.م.ا) و نیز کاهش مدت جایگزین‌های حبس مانند خدمات عمومی رایگان (مواد ۷۷ و ۸۰ ق.م.ا) برعهده‌ی قاضی اجرای احکام قرار داده شده است.^۲ به موجب این امر، این مقام چنانچه در راستای عدم پذیرش یا عدم مقبولیت این پاسخ‌های مبتنی بر تخفیف در ارائه‌ی این تقاضا اقدام ننماید، شخص محکوم علیه از این امکان تقنینی محروم شده و قربانی تفکر کنشگران مربوطه شده است. از طرفی نیز عدم وجود مجال تقنین جهت اعتراض از این محرومیت، خود به مقبولیت کیفری سلیقه گرای آنان دامن می‌زند. در نقطه‌ی مقابل تقاضای پاسخ‌های شدید کیفری نیز خود می‌تواند تحت تأثیر این تفکر و نوع مقبولیت سنجی وی قرار گیرد. به عنوان مثال پیشنهاد افزایش مدت مجازات تکمیلی که در ماده ۲۴ ق.م.ا پیش بینی شده است از تفکر مقام اجرای احکام بسیار الهام می‌گیرد. حال با توجه به این ملاحظات می‌توان عنوان نمود که با توجه به اینکه در غالب موارد مبتنی بر تخفیف و تشدید، مقام اجرا کننده‌ی احکام کیفری یک پیشنهاد دهنده است، از همین رو نقش قضات صادرکننده‌ی حکم قطعی می‌تواند در جهت دهی نظام مند به وظایف آنان و در اصل تعدیل آن نقش به سزایی داشته باشد.

حراست از اجرای حکم را مطابق با آنچه تبیین شده است، به عهده دارد. به این ترتیب و علاوه بر دادستان، دیگر کنشگران مرحله اجرای احکام کیفری را قاضی اجرای احکام، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مراقبتی تشکیل می‌دهند.

^۱ مضاف بر آن اهداف دیگری چون بازدارندگی خاص و سرانجام پیشگیری از تکرار جرم از حیث مقبولیت کیفری و تأثیر بر نوع پاسخ تعیینی و در قالب قضایی نمودن مرحله اجرای مجازات قابل بحث است.

^۲ جلوه دیگری از اختیارات قاضی اجرای احکام به اعطای مرخصی به زندانیان مربوط می‌شود؛ این مهم که در بند «ت» ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری قید شده است، استقلال قاضی اجرای احکام را در اتخاذ تصمیم در قبال اعطای مرخصی به زندانیان را البته طبق شرایط مطرح قانونی منعکس می‌نماید. در این خصوص حائز اهمیت است، شرایط قانونی مورد بحث در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری و البته آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها اصلاحی ۱۳۸۹ مورد ذکر قرار گرفته است.

۲- مقبولیت کیفر در قالب وظایف نظارت مدار کنشگران اجرای احکام کیفری

وظایف نظارت مدار را می‌توان به آن دسته از مواردی اطلاق نمود که فارغ از نگرش مبتنی بر تخفیف و تشدید در آنها، حُسن اجرای احکام کیفری منوط به رعایت آنهاست. *اولا/ینکه؛* نظارت بر عملیات اجرایی آرای کیفری و همچنین زندان‌ها در امور راجع به زندانیان را به لحاظ اهمیت مقوله اجراء در فرآیند جزایی را شاید بتوان مهمترین رسالت قاضی اجرای احکام انگاشت. این مهم که در بند «الف» ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک پیش بینی شده به لزوم وجود تمهیدات اجرایی مناسب ملزم نشده است. فقدان سازوکار نظام مند در تقویت استقلال در تصمیم‌گیری‌ها، باعث می‌شود که سلیقه‌گرایی اجرایی از سوی آنها جلوه‌ی متفاوتی را برای مقبولیت کیفری موردنظر فراهم نماید. *ثانیا/ینکه؛* یکی دیگر از موارد مبتنی بر تقویت نظارت بر اجرای احکام کیفری رعایت موارد استثنائی تعویق صدور حکم است.^۱ به موجب مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ قانون اخیرالذکر، در موارد دوران بارداری، پس از زایمان حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی طفل، در حالت حیض یا استحاضه بودن محکوم به شلاق در ایام اجرا و نیز بیماری جسمی و یا روانی محکوم علیه به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد. بدیهی است که تعیین دامنه‌ی تعویق و مواردی که دارای حداقل و حداکثر است می‌تواند جهت‌گیری مقام قضایی را به سمت عدم تعیین تعویق جهت دهد.

مصادق دیگری که می‌تواند از سنجش مقبولیت مدار کیفر تأثیر بپذیرد در قسمت اخیر ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چنین تصریح شده است «... چنان‌چه در جرایم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از احراز بیماری محکوم‌علیه و مانع‌بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با درنظرگرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند...». وفق فراز مذکور، قانونگذار در راستای حمایت از محکومان ویژه، یعنی افرادی که دچار بیماری می‌باشند و البته امیدی به بهبودی ایشان نیز نیست، امکان تبدیل مجازات را به نحو مصرح اجازه داده است. حال دامنه تبدیل می‌تواند از نوع تفکر قضات اجرای احکام الهام بگیرد و دامنه‌ی نوع کیفر پیشنهادی می‌تواند بسته به هر حوزه‌ی قضایی تفاوت داشته باشد. یکی دیگر از مأموریت‌هایی که قانونگذار ایران نسبت به قاضی اجرای احکام ترسیم

^۱ با این‌که اصل بر عدم توقف اجرای احکام کیفری می‌باشد لیکن قانونگذار در پاره‌ای از موارد مصرح، تعویق اجرای رأی را نیز مورد حکم قرار داده است. به واقع، ضرورت اجتناب از ایستایی غیرقانونی عملیات اجرایی بدان حدی بوده که مقتن جهت تعویق عملیات اجرایی را احصاء نموده است.

نموده ناظر بر مواردی است که مجازات رفتار مجرمانه‌ای به موجب قانون لاحق تخفیف یابد و در نتیجه اصلاح مجازات مورد حکم لازم گردد^۱.

نتیجه گیری

مقبولیت کیفر با تلفیق ملاحظات جامعه شناختی و کیفرشناختی، به مفهومی نسبی اطلاق می‌گردد که در پرتو آن مراجع کیفرده با تعریفی که هر کدام از مقبولیت و پذیرش کیفر دارند فرآیند کیفردهی را با قوانین کیفری منطبق می‌سازند. بدیهی است که تأکید بر مراجع کیفرده نشان از جهت گیری از مقاله‌ی حاضر دارد، لذا مفهوم مقبولیت کیفر مفهومی داشته و حتی بررسی در میان افراد جامعه و شهروندان آن را نیز در بر می‌گیرد. طرح ملاحظاتی چون مقبولیت کیفر به این منطق بازمی‌گردد که اصولاً کیفر به دلیل محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کند اصولاً بد ارزیابی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۵۳)، از همین رو دخالت حداقلی کیفری منوط به وجود تفکر مبتنی بر مقبولیت است. به موجب مقبولیت کیفر، منطقی واحد که به تقویت عملکرد یکسان در زمینه‌های مشابه می‌انجامد بستری برای نظام مند سازی برداشت تقنینی مقام‌های قضایی فراهم می‌آورد که در پرتو آن، آنچه حاصل می‌گردد نقض حداقلی حقوق متهمان، بزه دیدگان و جامعه به طور کلی باشد. با تحلیل فرایند مدار مقبولیت کیفر، آنچه مشخص می‌شود این است که میزان مقبولیت اقدام قضایی در هر یک از مراحل مختلف قضایی با توجهی متفاوت اعمال می‌گردد. در مراحل پیش دادرسی مقبولیت کیفری آهنگی امنیت مدار به خود گرفته و اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری در راستای همسو نمودن تحولات نوین برآمده است، اما اقبال رویکرد عملی به سمت تعیین پاسخ‌های کیفری نوین و نه لزوماً توسل به کیفرهای سختگیرانه عموماً از نگرش آنان نسبت به مقبولیت کیفر الهام می‌گیرد. در مرحله‌ی دادرسی نگرش امنیت مدار، کم‌رنگ تر رخ می‌نماید و قالب حقوقی-قضایی و آنچه در قوانین پیش بینی شده است بدان جهت می‌دهد. با این وجود میزان تأثیر مقبولیت کیفری در دامنه‌های حداقل و حداکثر میزان مجازات قانونی، در تشریفات غیرحضوری مراجع تجدیدنظر و به طور کلی در زمان انشاء حکم بسیار خود نمایی می‌کند. در قالب مرحله‌ی اجرای احکام کیفری نیز آنچه قالب کلی مقبولیت کیفری را تشکیل می‌دهد رویکرد مدیریتی مرتبط با اجرای احکام کیفری است. در این قالب نوع نگرش کنشگران اجرای حکم مدیریت مدار بوده و هر آنچه این منطق اقتضای آن را داشته باشد باعث تأثیر مقبولیت کیفری خواهد بود و در موارد

^۱ در این ارتباط و برحسب بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد قاضی اجرای احکام مؤظف است قبل از شروع به اجرا و یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا نماید».

پیشنهادی از سوی قضاوت اجرای احکام دامنه‌ی مقبولیت کیفری اندک و در مواردی که منطبق قضاوتی شدن به حد اعلای آن پذیرفته شده است تأثیر مقبولیت کیفری نیز دو چندان خواهد بود.

فهرست منابع

- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۵؛
- آقا بخشی، علی؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۳،
- ایرانی، امیر، قرار نظارت قضایی؛ از مبانی تا جلوه‌ها (با تأکید بر حقوق کیفری ایران)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲
- بهرامی، بهرام؛ اجرای احکام مدنی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، چاپ سوم، ۱۳۸۳
- پاشا زاده، حسن، قضاوتی شدن و جایگاه نوین وظایف و اختیارات دادستان در فرآیند دادرسی کیفری ایران و انگلستان، استاد راهنما؛ دکتر نسرین مهرا، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، پاییز ۱۳۹۴
- جمشیدی، علیرضا و علیرضا نوربان، متناسب بودن تعقیب کیفری؛ مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- جوان جعفری، عبدالرضا و محمدجواد ساداتی، ماهیت فلسفی و جامعه شناختی کیفر (تأملی در چیستی و کارکردهای کیفر)، (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴)،
- جوان جعفری، عبدالرضا و محمدجواد ساداتی، «سزاگرایی در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵ (۱۳۹۱)،
- جهاندیده شیخانی، ایمان، جایگاه مردم در مقبولیت و مشروعیت حکومت اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۹۴،
- حبیب زاده، محمدجعفر، اندیشه‌های حقوقی ۳ (مجموعه مقالات عدالت کیفری)، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱
- حسانی، یعقوب، چالش‌های میانجی‌گری کیفری در لایحه قانون آیین دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۲
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۵،
- دانش پژوه، مصطفی؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ فلسفه حقوق، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰.
- رستمی، هادی، تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی در توجیه کیفر، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، دوره هفتم، شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵،

- رستمی، هادی و علی رضا تقی پور، توجیه کیفر در سامانه عدالت به مثابه انصاف، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴
- ساداتی، محمدمهدی، شرایط اعمال قاعده در آ در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵،
- ساقیان، محمدمهدی، تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۳
- شاکرین، حمیدرضا؛ حکومت دینی، نشر معارف، ۱۳۸۲،
- شیدائیان، مهدی، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام، رساله‌ی دکتری ۸۸-۸۷،
- شکرچی زاده، محسن، آیین دادرسی کیفری انگلستان؛ قاعده اقتضاء تعقیب، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴؛
- صادقی، محمدهادی و جواد ریاحی، اجتهاد تعزیر؛ مبنای اعمال مجازات‌های محدودکننده‌ی آزادی در فقه جزایی، مجله پژوهش‌های فقهی، شماره ۲۵، ۱۳۹۵
- عالم، عبدالرحمن؛ بنیادهای علم سیاست، نشر نی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳،
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه‌ی حقوق (تعریف و ماهیت حقوق)، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۵
- کارخیران، محمدحسین، کاملترین مجموعه محشی قانون آیین دادرسی کیفری جدید، انتشارات راه نوین، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- کم، بهروز و آنامحمد خرمالی، وظایف و نقش دادستان در حقوق کیفری نوین ایران، مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی، سال دوم، جلد یکم، شماره ۲۰، ۱۳۹۵
- کوشکی، غلامحسین، جایگزین‌های تعقیب عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹،
- گارلند، دیوید، مجازات و جامعه مدرن، ترجمه نبی اله غلامی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵
- فیض، رضا، مفهوم کیفر از دیدگاه صوفیان با تکیه بر مکتب ابن عربی، فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۶
- محمودی جانکی، فیروز و مهر انگیز روستایی، توجیه مداخله‌ی کیفر؛ اصول و ضرورت‌ها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره یکم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۲
- مصدق، محمد، قرارهای تأمین کیفری، نظارت قضایی و قرارهای نهایی با رویکرد کاربردی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۴

موراتز، توماس، فلسفه حقوق؛ مبانی و کارکردها، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷

میرزایی، اقبالعلی، قانون متروک: مبانی، مفهوم و مصادیق، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و پنجم، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۰

میری، سید رضا، آیین دادرسی کیفری؛ تعقیب کیفری؛ بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰؛

مهمان نواز، مهران، بررسی تطبیقی حقوق متهم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و لایحه جدید قانون آیین دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰

نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هادی رستمی، رویکرد سزا گرا به کیفر در نظریه لیبرالیسم، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۱۰، ۱۳۹۰

یزدیان جعفری، جعفر، چرایی و چگونگی مجازات، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱

یکرنگی، محمد، مشروعیت سیاسی کیفر، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۷).

Levi M., Sacks A., & Tyler T. R., Conceptualizing Legitimacy, Measuring Legitimizing Beliefs, *American Behavioral Scientist*, 2009, n 53(3) p. 354-375.

Wilson, William; Criminal law doctrine and theory, printed in Great Britain Longman, First publish, 1998.

Wood, David; retribution, crime reduction and the justification of punishment, *Oxford Journal of Legal Studies*, vol.22, No.2, Oxford university press, 2002.